

تأثیر شعر در دگرگونی احوال و تصمیم‌گیری افراد

دکتر محمد کاظم کهدویی^۱

چکیده

«احمد بن عبدالله الخجستانی را پرسیدند که تو مردی خربنده بودی» به امیری خراسان چون افتادی؟ گفت: به باد غیس در خجستان روزی دیوان حنظله باد غیسی همی خواندم، بدین دو بیت رسیدم:

مهتری گر به کام شیر دراست شو خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عزّ و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی
داعیه در باطن من پدید آمد که به هیچ وجه در آن حالت که اندر بودم، راضی
نتوانستم بود، خران را بفروختم و اسب خریدم، و از وطن خویش رحلت کردم و
به خدمت علی بن الیث رسیدم ...

[تا اینکه] دست از طاعت صفاریان باز داشتم و خواف را غارت کردم و به
روستای بُشت بیرون شدم، و به بیهق درآمدم. دو هزار سوار بر من جمع شد.
بیامدم و نیشابور بگرفتم، و کار من بالا گرفت و ترقی همی کرد تا جمله

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

خراسان، خویش را مستلخص گردانیدم. اصل و سبب این دو بیت شعر بود... .
(چهار مقاله، نظامی عروضی سمرقندی)

سرآغاز سخن، با نقل بخشی اندک از کتاب چهار مقاله بود که در آن دو بیت شعر سبب به امارت رسیدن یک نفر خربنده (خرکچی) شده بود.

آنچه در خصوص رودکی سمرقندی و قصیده بوی جوی مولیان وی و منقلب شدن امیر سامانی آمده، یا درباره فرخی سیستانی و قصیده با کاروان حله وی خوانده‌ایم و می‌دانیم یا حکایت‌های اسکافی، صاحب بن عباد، یا دیگر مضامین و مفاهیمی که در کتاب‌های مختلف می‌خوانیم، در می‌یابیم که چگونه یک بیت شعر یا یک عبارت ساده می‌تواند به آن اندازه مؤثر باشد، به گونه‌ای که نظیر آن را هرگز نمی‌توان ایجاد کرد و یا با دیگر محرکه‌ها، برای شخص یا اشخاصی به وجود آورد.

این خاصیت شعر است و یا عبارت ساده ادبی که مربوط است به بخشی از علوم، با عنوان علوم انسانی و یا به قولی، علوم بشری، که شاید در چشم و نگاه بسیاری از عالمان علوم غیربشری هیچ می‌نماید و کسی آن را در حساب نمی‌آورد. در خانه هر مسلمانی کتاب قرآن و دیگر کتب مربوط را می‌توان دید. دیوان حافظ را در کنار قرآن کریم، روی تاقچه می‌گذارند و یک غزل آن را تیمناً سر آغاز کار می‌دانند و روح و جانشان را با خواندن و شنیدن آن طراوت و لطافت می‌بخشند و آرامش خاطر می‌یابند و بر همان حال و آرامش تصمیم می‌گیرند و خشم خویش فرو می‌نشانند.

در این مقاله کوشش خواهد شد تا نمونه‌هایی از تأثیر علوم انسانی، و به طور جزئی‌تر ادبیات فارسی، در امور مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های مربوط به آن بیان شود.

واژگان کلیدی: علوم انسانی، ادبیات، شعر، مدیریت، تصمیم‌گیری.